اندیشکده راهبردی تبیین

استیضاح ترامپ؛
سناریوها و پیامدها

مقالات

مهرماه ۱۳۹۷

اندیشکده راهبردی تبیین

مجموعه گزارش راهبردی

استیضاح ترامپ؛ سناریوها و پیامدها

وبگاه اندیشکده : www.Tabyincenter.ir

نشانی : تهران، اقدسیه، خیابان شهید موحد دانش ،خیابان نسترن، پلاک ۳۲، واحد ۱۱

کد پستی : ۱۹۵۷۶۶۴۷۳۱

تلفن : ۲۶۱۵۳۳۲۹

نمابر : ۸۹۷۷۱۹۶۴

فهرست

مقدمه	۶
رویه استیضاح رئیس‌جمهور بر اساس قوانین ایالات‌متحده آمریکا	۷
نگاهی به تاریخچه استیضاح رؤسای جمهور آمریکا	۱۰
اصلی‌ترین علل و دلایل استیضاح ترامپ	۱۱
استیضاح ترامپ و فضای سیاسی داخلی ایالات‌متحده	۱۳
استیضاح ترامپ و سیاست خارجی ایالات‌متحده	۱۵
سناریوهای استیضاح ترامپ و نتیجه‌گیری	۱۷
منابع	۱۹

مقدمه

قدرت در هر موقعیت و میزانی دارای محدودیت است و سیاستمداران نوپا بر این باورند که توانایی انجام بسیاری از امور را دارند و در مقابل سیاستمداران کهنه‌کار و مجرب همواره ساختارهای محدودکننده و محذورات تصمیمات و اقدامات را در نظر دارند تا بدین شکل مانع ایجاد اصطکاک با عوامل محدودکننده خود شوند[۱]. ترامپ که طی آخرین انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بر روی کار آمده است مصداق سیاستمداری است که در شناخت مقدورات و محذورات محیطی و ساختاری دچار مشکل شده است و باسابقه‌ای منحصربه‌فرد و به‌دوراز فضای سیاست، از نخستین روزهای ریاست جمهوری، با منتقدان جدی روبرو شد.

این عدم شناخت و بی‌تجربگی در عالم سیاست منجر به اتهامات و اشتباهاتی شد که تخلفات مالی ستاد انتخاباتی، ارتباط نامتعارف اطرافیان با روسیه و پرداخت حق‌السکوت به بازیگران فیلم‌های مستهجن، بخشی از این جورچین است که رئیس‌جمهوری کنونی آمریکا را با طرح مسئله استیضاح روبرو کرده است. گرچه استیضاح ترامپ از ماه‌های اولیه ریاست جمهوری وی مطرح بوده است، طی ماه‌های اخیر پررنگ‌تر شده و برگزاری یا عدم برگزاری و برکناری یا عدم برکناری ترامپ، هرکدام دارای تبعات و پیامدهایی برای سیاست داخلی و خارجی ایالات‌متحده خواهد بود که لازم است مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

رویه استیضاح رئیس‌جمهور بر اساس قوانین ایالات‌متحده آمریکا

در مدتی که ترامپ بر صندلی کاخ سفید تکیه زده هر از چند گاهی سناریوی جدیدی را به نمایش گذاشته است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از لغو یک‌طرفه توافق‌نامه‌های بین‌المللی مانند یونسکو و پیمان آب‌وهوایی پاریس و نقض آشکار و خروج از توافق برجام با ایران گرفته تا مبهم بودن وضعیت قرارداد تجارت آزاد آمریکای شمالی و موضع کاخ سفید در مورد ناتو، که همه این موارد به‌صورت مستقیم با روی کار آمدن وی رقم خورده است[۲]. این‌گونه عملکرد در کنار اقدامات اشتباه و مداوم وی موجب گشت تا اخیراً برد شرمن، قانون‌گذار دموکرات مجلس نمایندگان آمریکا طرحی را برای استیضاح رئیس‌جمهوری آمریکا به اتهام مانع‌تراشی در مسیر تحقیقات درباره مداخله روسیه در انتخابات ریاست‌جمهوری پیشین ایالات‌متحده ارائه نماید[۳].

در ابتدا بهتر آن است برای بررسی میزان جدیت و نتیجه بخشی طرح استیضاح ترامپ به این سؤال پاسخ داده شود که در قوانین داخلی ایالات‌متحده، رویه استیضاح رئیس‌جمهور چگونه است؟

با توجه به جریان افتادن طرح استیضاح توسط دمکرات‌ها باوجودآنکه برای عملی شدن این استیضاح باید فرایندی طولانی طی شود، اما این گزینه محتمل است که ترامپ نیز همچون ۴ رئیس‌جمهور دیگر این کشور دست‌به‌گریبان استیضاح شود اما احتمال کناره‌گیری‌اش در این نوشتار موردبررسی است. استیضاح فرایندی است که به‌موجب آن یک مقام مشغول به کار در آمریکا، طبق بند دوم قانون اساسی این کشور رسماً متهم به «خیانت، ارتشا و یا تخلفات و جرائم عالی» می‌شود[۴].

فرایند استیضاح بر اساس قانون ایالات‌متحده زمانی آغاز می‌شود که هردو مجلس نمایندگان و سنا رأی به استیضاح دهد. اگر کنگره این طرح را با اکثریت تصویب کند تعدادی از نمایندگان را دادستان قرار خواهد داد و سایر سناتورها نیز به‌عنوان هیات منصفه ایفای نقش خواهند کرد که در این شرایط رئیس دیوان عالی آمریکا هم حکم قاضی را دارد. در این فرایند آرای نمایندگان در مجلس نمایندگان و مجلس سنا سرنوشت‌ساز است و این مصطلح است که مجلس نمایندگان استیضاح و سنا محاکمه می‌کند[۵].

طبق قانون اساسی آمریکا دامنه برد استیضاح تا برکناری مقام رسمی از سمت و در صورت لزوم ممنوعیت از استخدام در دستگاه‌های اداری به‌صورت مادام العمر است. اما جریمه نقدی و یا حکم زندان برای فرد استیضاح شده در صلاحیت دادگاه‌های مدنی است[۶].

در مجلس نمایندگان آمریکا در ابتدا کمیته قضایی این مجلس تصمیم می‌گیرد که آیا فرایند استیضاح صورت گیرد و درصورتی‌که این تصمیم مثبت باشد رئیس کمیته قضایی مجلس نمایندگان آمریکا پیشنهاد قطعنامه‌ای را داده و از این کمیته می‌خواهد تحقیقات رسمی درباره مسئله استیضاح را آغاز کند. کمیته قضایی بر اساس تحقیقاتش قطعنامه دیگری را متشکل از یک یا چند بند استیضاح به کلیت مجلس نمایندگان فرستاده و تصریح می‌کند که چرا استیضاح مجاز دانسته شده یا خواهان استیضاح نشده است. بعدازآن کل مجلس نمایندگان بر سر هر یک از بندهای استیضاح رأی‌گیری خواهد کرد. درصورتی‌که هر یک از بندهای استیضاح تنها با رأی اکثریت تصویب شود رئیس‌جمهور اسما استیضاح شده و در ادامه در ریاست جمهوری باقی می‌ماند تا نتیجه محاکمه استیضاح در سنا معلوم شود.

در سنا در ابتدا بندهای استیضاح از جانب مجلس نمایندگان دریافت می‌شود و مجلس سنا قوانین و رویه‌های برگزاری یک محاکمه برای رئیس‌جمهور را تعیین می‌کند. بعدازآن این محاکمه با حضور رئیس‌جمهور و وکلایش برگزار خواهد شد. یک گروه منتخب از اعضای مجلس نمایندگان آمریکا به‌عنوان دادستان حضور پیدا خواهند کرد. در این محاکمه قاضی ارشد دیوان عالی که در حال حاضر «جان رابرتز» است رئیس هیات منصفه خواهد بود و همه ۱۰۰ سناتور اعضای هیات منصفه هستند[۷].

در گام بعدی مجلس سنا نشستی خصوصی و سپس علنی برگزار می‌کند و برای محکومیت قطعی به رأی مثبت دوسوم سناتورها نیاز است. این‌گونه است که سنا حکم به برکناری رئیس‌جمهور می‌دهد و حتی می‌تواند با رأی‌گیری که صرفاً به اکثریت آرا نیاز دارد رئیس‌جمهور را از تصدی هرگونه پست دولتی منع نماید.

تا به امروز همه فرایندهای استیضاح در آمریکا علیه مقامات و سه رئیس‌جمهور متأثر از اتهام خیانت نبوده‌اند و بیشتر به خاطر جرائم عالی بودند که عبارت از ۱- جرم کیفری واقعی و قانون‌شکنی ۲- سوءاستفاده از قدرت و ۳- نقض اعتماد عمومی می‌باشند.

نگاهی به تاریخچه استیضاح رؤسای جمهور آمریکا

تاریخ سیاسی ایالات‌متحده بارها شاهد استیضاح مقامات مختلف این کشور بوده که تاکنون چهار رئیس‌جمهور در تاریخ آمریکا درگیر مناقشه استیضاح شده‌اند. این چهار رئیس‌جمهور عبارت‌اند از اندرو جانسون، جان تایلر، ریچارد نیکسون و بیل کلینتون. از بین چهار نفر تنها اندرو جانسون و بیل کلینتون رسماً استیضاح شدند که البته هر دو تبرئه شدند.

در سال ۱۸۶۸ اندرو جانسون به سبب نارضایتی کنگره از نحوه مدیریت وی در مسائل بعد از جنگ داخلی و برکنار نمودن وزیر جنگ آمریکا، با استیضاح مواجه شد اما در رأی‌گیری در مجلس سنا با اختلاف تنها یک رأی تبرئه شده و در ریاست جمهوری باقی ماند. او اولین رئیس‌جمهور آمریکا است که درگیر فرایند استیضاح می‌شود. در مورد جان تایلر نیز کنگره قطعنامه‌ای برای استیضاحش در ارتباط با حقوق دولتی ارائه کرد اما این قطعنامه شکست خورد.

در دهه ۷۰ میلادی «ریچارد نیکسون» رئیس‌جمهوری جمهوری‌خواه آمریکا بحث استیضاحش به خاطر رسوایی «واترگیت» و مطرح گردید. وی که در این روزها با ترامپ مقایسه می‌شود تبدیل به سومین رئیس‌جمهور درگیر در مناقشه استیضاح شد اما فرق او این بود که پس از تهدید شدن به استیضاح در ارتباط با رسوایی واترگیت و قطعی بودن برکناری‌اش پیش از آنکه این استیضاح به جریان بیفتد، استعفا داد.

دموکرات‌ها هم تاکنون چنین تجربه ناخوشایندی داشته‌اند بطوریکه «بیل کلینتون» رئیس‌جمهوری دموکرات در اواخر دهه ۹۰ به دلیل فساد اخلاقی در جلسه استیضاح تا یک‌قدمی برکناری پیش رفت اما نمایندگان سنا او را گناهکار ندانستند و درنتیجه بر مسند قدرت باقی ماند. وی در سال ۱۹۹۸ به دلیل رابطه خارج از زندگی زناشویی خود با مونیکا لوینسکی، دستیار

کارآموز کاخ سفید با استیضاح روبرو شد اما داشتن هرگونه "رابطه جنسی" با لوینسکی را رد کرد ولیکن در ۱۷ اوت در مقابل هیات منصفه شهادت داد که "رابطه‌ای نامناسب" با لوینسکی داشته است. او در پخش زنده تلویزیونی نیز این موضوع را پذیرفت. در تاریخ ۱۹ دسامبر ۱۹۹۸ مجلس نمایندگان آمریکا بیل کلینتون را به اتهام شهادت دروغ و مانع‌تراشی بر سر راه عدالت استیضاح کرد. اما زمانی که در مجلس سنا محاکمه او برگزار شد چون از ۶۷ رأی لازم فقط ۵۰ سناتور به استیضاحش رأی دادند، تبرئه شد. اما نکته مهم در تاریخ ایالات‌متحده آن است که تاکنون هیچ رئیس‌جمهوری محکوم و از دفتر کار خود بیرون رانده نشده است.

اصلی‌ترین علل و دلایل استیضاح ترامپ

برکناری جیمز کومی مهم‌ترین موردی است که در اتهام ارتباط با روسیه و دخالت این کشور در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا توسط ترامپ رقم خورد و می‌تواند منجر به کلید خوردن استیضاح دونالد ترامپ گردد. بعد از برکناری رئیس اف بی آی اکنون پای فرزند وی دونالد ترامپ جونیور نیز به این پرونده کشیده شده و پس از انتشار خبرهایی تازه از دیدار فرزند ترامپ با یک وکیل روس در فاصله پنج ماه مانده به انتخابات، بحث مداخله در انتخابات آمریکا و اتهام تبانی تیم انتخاباتی ترامپ با مقامات روسی دوباره به‌طورجدی مطرح گردیده است. چراکه فردی که در نشست با وکیل روسی حضورداشته است مأمور سابق "کا گ ب" بوده و این هزینه‌های سنگینی را بر ترامپ تحمیل می‌نماید.

یکی دیگر از این دلایل مهم، ادعای مایکل کوهن وکیل پیشین ترامپ است که رئیس‌جمهوری آمریکا در توطئه‌ای بزرگ در جریان مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری سال

۲۰۱۶ دست داشته و وعده داد اطلاعات بیشتری درباره رفتار مجرمانه ترامپ ارائه کند. وی داوطلبانه اتهامات وارده ازجمله تلاش برای تأثیرگذاری بر نتایج انتخابات سال ۲۰۱۶ را پذیرفته است تا با مجازات کمتری مواجه شود. این پرونده نیز می‌تواند ترامپ را با مشکلات جدی مواجه کند چراکه وی به همراه مدارکی شهادت داده که حق‌السکوت به دو زن را که ترامپ با آنان رابطه غیراخلاقی داشته، به دستور نامزد وقت انتخابات ریاست‌جمهوری پرداخت کرده بود تا افشاگری‌های آن دو زن بر انتخابات تأثیر منفی برجای نگذارد. در همین رابطه باید به محکومیت پل مانافورت مدیر کارزار انتخاباتی ترامپ نیز اشاره نمود که منجر به نگرانی شدید ترامپ شده و در توییتر کری خطاب به ترامپ نیز بر روی آن مانور داده‌شده است. پل مانافورت، نخستین رئیس ستاد انتخاباتی ترامپ در رقابت‌های سال ۲۰۱۶ از ۱۸ مورد اتهامی در ۸ مورد محکوم‌شده است.

دیگر موضوعی که این روزها به‌شدت مورد استناد قرارگرفته انتشار نامه‌ای توسط نویسنده‌ای ناشناس در نیویورک‌تایمز است که مهم‌ترین پیامش این است که «من در درون دولت ترامپ، بخشی از جبهه مقاومت و ایستادگی در برابر ترامپ هستم». در بخش‌هایی از این نوشته آمده است که «من برای رئیس‌جمهور کار می‌کنم اما من و همکاران هم‌فکرم متعهد شده‌ایم تا بخش‌هایی از دستور کار و تمایلات فاجعه‌بار او را خنثی کنیم»[۸]. این نامه منجر به چالشی اساسی از درون کاخ سفید برای ترامپ شده که روسای جمهور قبل با آن روبرو نشده‌اند. علاوه بر موضوع تحقیقات «رابرت مولر» بازپرس ویژه تحقیقات درباره دخالت روسیه در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ و ادعای تبانی کارزار انتخاباتی ترامپ با مسکو، دوتکه شدن و تفرقه در کشور درباره ریاست جمهوری ترامپ و یا حتی احتمال شکست حزب او در انتخابات مجلس نمایندگان آمریکا، ترامپ را با یک مشکل جدی در درون دولت خودش مواجه است. نکته آن است که بسیاری از مقام‌های ارشد در دولت او سرسختانه در حال کار کردن در درون دولت برای

خنثی کردن بخش‌هایی از دستور کار و تمایلات فاجعه‌بار او هستند و در چنین شرایطی به‌عنوان دلیلی دیگر برای استیضاح وی می‌توان با توجه به شهادت بسیاری درباره ناتوانی رئیس‌جمهور در انجام وظایفش، به متمم ۲۵ قانون اساسی استناد کرد.

استیضاح ترامپ و فضای سیاسی داخلی ایالات‌متحده

در خصوص فضای سیاسی دخلی آمریکا باید تأکید داشت که بر مبنای داده‌های موجود و نظرسنجی‌ها همواره ۴۰ درصد جامعه آمریکا طرفدار دموکرات‌ها و ۴۰ درصد دیگر به سمت جمهوری‌خواهان متمایل هستند و ۲۰ درصد باقی‌مانده مستقل قلمداد می‌شوند؛ که البته این گروه مستقل دارای ضریب نفوذ بسیار بالاتری از جریان‌های دیگر است؛ چراکه درنهایت آن‌ها تعیین می‌کنند که چه کسی رئیس‌جمهور آمریکا شود. همین افکار عمومی به‌گونه‌ای در استیضاح مؤثر است که هنگامی‌که «تام استیر» میلیاردر حامی دموکرات‌ها، دو ماه پیش کارزاری را در سایت NeedToImpeach.com در تلاش برای استیضاح ترامپ آغاز کرد که در زمان کمی تقریباً ۴ میلیون نفر به استیضاح ترامپ در این نبرد سایبری رأی دادند[۹].

در گام دیگر برای شناخت فضای سیاسی باید به درون کاخ سفید و اطرافیان و هوادارن ترامپ پرداخت که درون آن‌ها نیز دسته‌بندی‌های متفاوتی وجود دارد. یک جناح با عنوان آرمان‌خواهان پوپولیست تحت رهبری «استیون بنن» استراتژیست ترامپ شکل گرفت. در سوی دیگر جناح و دسته‌ای بانام گلوبالیست‌های وال استریت هستند که دارای چهار ضلع است که متشکل از ایوانکا ترامپ، داماد ترامپ جراد کوشنر، مشاور اقتصادی ترامپ گری کوهن و دایانا پاول است. این جریان معتقد است که تفکر مقابل آن‌ها که همان آرمان‌خواهان پوپولیست تحت

رهبری استیون بنن می‌باشند در جستجوی اصلاح آمریکا نیستند و بیشتر فروپاشی و دگرگونی ساختار آمریکا را دنبال می‌نمایند و بدین گونه این اختلافات داخلی نیز زمینه انشقاق و مقاومت درونی کاخ سفید و خروج نامه نیویورک‌تایمز و زمینه‌های استیضاح را رقم می‌زند.

در چنین شرایطی با تحلیل فضای سیاست داخلی ایالات‌متحده و مطالعه افکار عمومی می‌توان ادعا نمود که با توجه به نوسان رضایت‌مندی و عدم محبوبیت دونالد ترامپ، به نظر می‌رسد افکار عمومی این کشور آمادگی اعلام‌جرم و استیضاح او را به دست آورده است که این موضوع در نمودار زیر که از مجله تلگراف است نیز مشهود است که میزان رضایت را ۳۹ درصد و میزان نارضایتی را ۵۶ درصد نشان می‌دهد[۱۰].

بر اساس مطالعات شکل‌گرفته میزان متوسط محبوبیت ترامپ از زمان شروع به کار پایین‌ترین میزان برای مقام ریاست جمهوری آمریکا از دهه ۴۰ میلادی است. برخلاف گفته‌های رئیس‌جمهوری آمریکا، ۴۵ درصد از شهروندان آمریکایی معتقدند که فساد در واشنگتن در دوره او افزایش نشان می‌دهد و تنها ۱۳ درصد نظر مخالف دارند. در ارتباط با مسئله و ادعاهای مایکل کوهن نیز نزدیک به ۶۱ درصد از مردم آمریکا معتقدند درصورتی‌که صحت حرف‌های وی، ترامپ قوانین را نقض کرده است و همچنین ۵۳ درصد هم معتقدند ترامپ در مسیر کار تیم رابرت مولر مانع‌تراشی کرده است[۱۱]. این همسویی با استیضاح در فضای داخلی آمریکا تا جایی پیش رفته است که ترامپ نیز احساس خطر نموده و بااینکه به‌ندرت رئیس‌جمهوری از آمریکا از مسئله استیضاح خود صحبت کرده اما وی بیان داشته که اگر او استیضاح شود اقتصاد آمریکا چنان صدمه‌ای خواهد دید که باعث فقیر شدن همه خواهد شد. اما واقعیت آن است که این موضوع می‌تواند پیامدی چشمگیر داشته باشد و آسیب جدی به فرایند رشد اقصادی آمریکا بزند و از سوی دیگر با توجه به تهدید ترامپ مبنی بر فقیر شدن آمریکا، ممکن است با توجه به فضاسازی‌های

ترامپ مردم به دموکرات‌ها کمتر رأی دهند. همچنین دیگر پیامد احتمالی استیضاح در حوزه داخلی آن است که این امر منجر به ایجاد موج فزاینده‌ای از خشونت‌ها و هرج و مرج ناشی از وجود اسلحه در دست آمریکایی‌ها و طرفداران ترامپ و حتی جنگ داخلی در آمریکا شود.

استیضاح ترامپ و سیاست خارجی ایالات‌متحده

این موضوع که ویژگی‌های فردی تصمیم‌گیرنده در سیاست‌گذاری خارجی در آمریکا دارای نقش پررنگ‌تری است یا محیط و عوامل ساختاری مسئله‌ای است که همواره در نوسان بوده و با تغییر دولت‌ها مدل تصمیم‌گیری سیاست خارجی تا حدی متأثر از فرد رئیس‌جمهور بوده است. اما آنچه به پیچیده شدن موضوع می‌افزاید اینکه میزان تأثیر هرکدام از این عوامل نه‌تنها وابسته به نوع نظام سیاسی، روال بوروکراتیک، فرهنگ سیاسی جامعه، قدرت افکار عمومی و رسانه‌هاست بلکه حتی قابل‌تغییر با تحولات منطقه‌ای و جهانی یا تغییر روحیات رهبران کشورهاست. در این راستا نقش فردی، در جهت‌گیری سیاست خارجی در دو دولت اوباما و ترامپ دستخوش تغییر زیادی شده که روحیات شخصی، سهم بزرگی در این دگرگونی داشته است. معمولاً در شرایطی که سیاست‌گذاری خارجی، بیشتر تحت تأثیر نقش فردی رهبران است و نه تکوین شده در فرآیند بوروکراتیک تصمیم سازی، منافع کوتاه‌مدت، موقتی و ملموس بیش‌ازحد موردتوجه قرارگرفته و این امر، امکان ایجاد سیاست‌های غیر هم‌جهت و بعضاً متضاد را فراهم می‌کند. تا جایی که در همین دوره کوتاه ریاست جمهوری ترامپ برخی از تحلیلگران سیاست خارجی معتقدند که امروز آمریکا اصلاً دارای سیاست خارجی نیست[۱۲]. تلاش برای ایجاد توافقی سست با روسیه بدون توجه به تعارض منافع بلندمدت دو کشور، تلاش برای فروش تسلیحات به همه طرف‌های

درگیر در بحران قطر و حمایت از ولیعهد جدید سعودی باروحیه‌ای ماجراجو، بدون توجه به نیاز بزرگ‌ترین محمل انرژی جهان به ثبات، در کنار انجام رفتارهای هنجار شکنانه و خارج از چارچوب در فضای داخلی و بین‌المللی، همه و همه نشان‌دهنده شخصی در رأس نظام سیاسی آمریکا است که چندان قائل به ساختارهای محدودکننده در تصمیم‌گیری نیست. به‌بیان‌دیگر، ساختارها تا جایی برای او قابل‌تحمل است که در جهت خواسته فردی وی حرکت کند. در شرایط تعارض، به ارتباط مستقیم با جامعه روی آورده، هزینه تصمیمات خود را به‌کل سیستم منتقل می‌کند و در چنین شرایط استیضاح و برکناری ترامپ می‌تواند مدل تصمیم‌گیری ایالات‌متحده را به مسیر "مدل‌سازمانی بوروکراتیک"[۱۳] که مدل غالب و نهادینه در این ساختار سیاسی است، برگرداند. اما از یک واقعیت نباید گذشت که پیامد دیگر استیضاح ترامپ در حوزه سیاست خارجی نسبت به ایران است که با توجه به ثبات استراتژی آمریکا نسبت به منطقه خاورمیانه و خصوصاً کشور ایران، هر شخصی رئیس جمهور آمریکا شود، سیاستی مشابه با شدتی متفاوت در پیش می‌گیرد. لذا استیضاح ترامپ برای ایران تفاوت چندانی نخواهد داشت و چه بسا شرایط را بدتر نیز می‌سازد و در نتیجه این اتفاق تفاوت چندانی به جهت منافع ملی ایران نداشته و حتی ممکن است با روی کار آمدن مایک پنس تندرو، منجر به تندترشدن سیاست‌های آمریکا نسبت به ایران نیز گردد.

سناریوهای استیضاح ترامپ و نتیجه‌گیری

رابرت مری اخیراً در نشنال اینترست طی گزارش خود در تاریخ ۲۳ آگوست نوشت: "تاریخ ثابت خواهد کرد که استیضاح دونالد ترامپ کار آسانی نخواهد بود". این دیدگاه بر اساس شناخت ساختار سیاسی آمریکا ممکن است درست باشد حتی اگر دموکرات‌ها در عین ناباوری بتوانند کنترل مجلس سنا و نمایندگان را در اختیار بگیرند. زیرا بر اساس نظرسنجی‌ها صرفاً احتمال دارد دموکرات‌ها بتوانند مجلس نمایندگان را در اختیار بگیرند. در هر شرایطی و به لحاظ تاریخی استیضاح یک رئیس‌جمهوری همواره امری دشوار بوده است و بعید است ترامپ درصورت استیضاح هم برکنار شود. درواقع جدا از موانع موجود در قانون اساسی، ترامپ تا سال ۲۰۲۰ همچنان به‌عنوان رئیس‌جمهوری باقی می‌ماند. هرچند خشم و اصطکاکی که در طول این دوره به وجود خواهد آمد می‌تواند مسائل مهم بحرانی داخلی و خارجی ایجاد کند[۱۴].

از سوی دیگر اما اگر دموکرات‌ها تنها مجلس نمایندگان را در دست‌گیرند، همه کمیته‌ها ازجمله سیاست خارجی، اطلاعات، خدمات مسلح و مالیات را در اختیار می‌گیرند و می‌توانند بر موضوعاتی مانند تبانی با روسیه برای دخالت در انتخابات تمرکز نموده و با اعمال فشار بر ترامپ با وی معامله کنند.

در حال حاضر از ۴۳۵ عضو مجلس نمایندگان، ۲۱۴ کرسی در اختیار نمایندگان جمهوری‌خواه قرار دارد و سهم دموکرات‌ها ۱۹۴ کرسی است. در مجلس سنای ۱۰۰ عضوی نیز جمهوری‌خواهان ۵۲ کرسی را به خود اختصاص داده‌اند و شمار سناتورهای دموکرات ۴۶ نفر یعنی کمتر از نصف است و دو سناتور هم به‌صورت مستقل در این مجلس فعالیت دارند. به‌این‌ترتیب و با توجه به برتری جمهوری‌خواهان در کنگره، امکان قدرت‌نمایی دموکرات‌ها و

استیضاح رئیس‌جمهوری بعید به نظر می‌رسد. مگر آنکه دموکرات‌ها در انتخابات کنگره پیروز میدان شوند که بازهم مایل به استیضاح وی نیستند؛ چراکه آن‌ها مایک پنس معاون ترامپ را یک شخصیت راست‌گرای مذهبی می‌دانند و مواضع وی را موردنقد قرار می‌دهند. از این منظر فعلاً شواهدی مبنی بر متزلزل شدن پایه‌های حکومت ترامپ وجود ندارد و در حال حاضر فعلاً احتمال چنین چیزی زیاد نیست.

درعین‌حال نمونه‌های مورداشاره از استیضاح‌های روسای جمهوری آمریکا بیانگر این است که استیضاح در نظام‌های ریاستی نظیر آمریکا بسیار دشوار است و با توجه به ترکیب نمایندگان دو طیف اصلی آمریکا در کنگره مشخص گردید که فرایند استیضاح بیش از آن‌که امکان عملیاتی شدن داشته باشد، یک تاکتیک سیاسی برای مقابله با زیاده‌خواهی‌های ترامپ و همچنین کاهش محبوبیت ترامپ و درنتیجه سختیِ کار برای جمهوری‌خواهان را در انتخابات آتی هدف‌گذاری کرده است.

منابع

[۱] " نظریه چرخش قدرت و نقش"، مسعود توکلی، منتشرشده در تاریخ بهار ۱۳۹۷، قابل بازیابی در پیوند زیر:

http:// ketabnak.com/redirect.php?dlid=78588

[۲] "خطوط جدید سیاست خارجی ترامپ" توحید افضلی، منتشرشده در اندیشکده راهبردی تبیین، در تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۹۷ قابل بازیابی در پیوند زیر:

http://tabyincenter.ir/26567/

[۳] " ارائه طرح استیضاح ترامپ"، منتشرشده در تاریخ ۲۲ تیر ۱۳۹۷، قابل بازیابی در پیوند زیر:

https://www.isna.ir/news/96042212435/

[۴] U.S. Constitution, Article II, section 4 "The President, Vice President and all Civil Officers of the United States, shall be removed from Office on Impeachment for, and Conviction of, Treason, Bribery, or other high Crimes and Misdemeanors."

۵ The Constitution gives the House of Representatives the sole power to impeach an official, and it makes the Senate the sole court for impeachment trials.

[۶] The power of impeachment is limited to removal from office but also provides for a removed officer to be disqualified from holding future office. Fines and potential jail time for crimes committed while in office are left to civil courts

۷ " مسیر دشوار پروسه استیضاح یک رئیس‌جمهور در ایالات‌متحده"، عباس ترابی، منتشرشده در تاریخ بهار ۱۳۹۷، قابل بازیابی در پیوند زیر:

https://t.me/latestanalysis

[۸] I Am Part of the Resistance Inside the Trump Administration, Sept. 5, 2018 at:

https://www.nytimes.com/2018/09/05/opinion/trump-white-house-anonymous-resistance.html

[۹] " ارتش سایبری در مسیر استیضاح ترامپ"، کارلا مورینوسی، مجله پولتیکو، منتشرشده در تاریخ ۲۷ دسامبر ۲۰۱۷، قابل بازیابی در پیوند زیر:
https://www.politico.com/story/2017/12/27/trump-impeachment-digital-army-steyer-316702

[۱۰] How popular is Donald Trump?, Telegraph news at: https://www.telegraph.co.uk/news/0/donald-trump-latest-approval-rating-impeachment-odds/

[۱۱] " ۶۰ درصد نارضایتی از ترامپ" فیلیپ راکر، واشنگتن‌پست منتشرشده در تاریخ ۳۱ آگوست ۲۰۱۸، قابل بازیابی در پیوند زیر:
https://www.washingtonpost.com/politics/poll-60-percent

[۱۲] " آینده سیاست خارجی آمریکا؛ پیروزی فرد یا ساختار " مسعود توکلی، فصلنامه راهبرد، منتشرشده در بهار ۱۳۹۷، قابل بازیابی در پیوند زیر:
http:// ketabnak.com/redirect.php?dlid=78588

[۱۳] Bureaucratic Organizational Model by: " Tohid Afzali"

[۱۴] "کابوس ترامپ" مجله نشنال اینترست، منتشرشده در مورخ ۴ سپتامبر ۲۰۱۸، قابل بازیابی در پیوند زیر:
https://nationalinterest.org/feature/trump%E2%80%99s-nightmare-not-impeachment-losing-his-business-empire-30477

گرچه استیضاح ترامپ از ماه‌های اولیه ریاست جمهوری وی مطرح بوده است، طی ماه‌های اخیر پررنگ‌تر شده و برگزاری یا عدم برگزاری و برکناری یا عدم برکناری ترامپ، هرکدام دارای تبعات و پیامدهایی برای سیاست داخلی و خارجی ایالات متحده خواهد بود.

اندیشکده راهبردی تبیین

نشانی ما در شبکه های اجتماعی:

@Tabyincenter

نشانی پایگاه اینترنتی: Tabyincenter.ir

شماره تماس جهت اعزام سخنران: ۰۲۱ - ۲۶۱۵۳۲۳۹